

## **Narrative and Linguistic Conceptualization of the "Great News" in Surah Al-Naba**

**Seyyed Moslem Rahimzadeh \***

**Mohammad Mirzayi \*\***

(Received: 18/06/2020; Accepted: 17/09/2020)

### **Abstract**

Understanding the ambiguous expressions and names in the Quran has been the focus of scholars of Quranic exegesis and sciences since the time of Quran's revelation. The expression of "The Great New" in Surah Al-Naba is one of the vague examples of the Quran which has been considered by scholars in the written Islamic heritage based on Quranic-narrative sources, the sayings of the Companions and Followers in various Islamic sciences. In theology and exegesis, respectively, since it is related to the guardianship and its consequences, and determining its instance, but also its complete instance, leads to resolving the contradiction and aggregation of sayings and theories, there is a wide scope of discussion.

Ali (AS) as a complete example of the above expression is a hypothesis that in order to prove it, in addition to content review, examining the chain of transmitters and answering some problems, the method of interpretation of the Quran by the Quran and the existence of a linguistic relationship between the concept and example of "Great News" has been used. The findings of the research, first, using the narrations, inferred defensible possibility based on the completeness of Imam Ali (AS), and then by specifying the criteria from the context of Surah Naba and finding examples confirming the history and matching them, achieved the most obvious example.

**Keywords:** Quran, Great News, Jary & Tatbigh, Complete Example, Ali (AS).

---

\* M.Sc. Student of Quran and Hadith Sciences, Razavi Islamic Sciences University, Mashhad, Iran (Corresponding Author), rahimzadeh.moslem@razavi.ac.ir.

\*\* Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Razavi Islamic Sciences University, Mashhad, Iran, mirzaee@razavi.ac.ir.

## مفهوم‌سنجی روایی و زبان‌شناختی «النبأ العظيم» در سوره نبأ

\* سید مسلم رحیم‌زاده

\*\* محمد میرزایی

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۷]

### چکیده

فهم تعابیر و اسامی مبهم قرآن از عصر نزول تاکنون محل توجه عالمان تفسیر و علوم قرآنی بوده است. تعبیر «النبأ العظيم» در سوره نبأ یکی از مصادیق مبهم قرآنی است که در تراث مکتوب اسلامی به استناد منابع روایی، قرآنی، اقوال صحابه و تابعان در علوم گوناگون اسلامی محل توجه دانشمندان قرار گرفته است. در علم کلام و تفسیر، به ترتیب، از آن سو که با ولایت و پیامدهایش پیوند دارد و تعیین مصداق و بلکه مصداق اکمل آن به حل تنافی و جمع اقوال و نظریات می‌انجامد دامنه بحث گسترده است. علی علیه السلام به عنوان مصداق اکمل تعبیر مذکور، فرضیه‌ای است که علاوه بر بررسی سندی و محتوایی روایات و پاسخ برخی اشکالات، برای اثباتش از روش تفسیر قرآن به قرآن و وجود رابطه زبان‌شناختی میان مفهوم و مصداق «نبأ عظیم» استفاده شده است. در بدو امر با الهام گرفتن از روایات، احتمالی قابل دفاع مبنی بر اکملیت حضرت علی علیه السلام برداشت کرده‌ایم، و سپس با مشخص کردن ملاک‌ها از سیاق سوره نبأ و یافتن مصادیق مؤید به تاریخ و تطبیق آنان، به بارزترین مصداق آن دست یافته‌ایم.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، نبأ عظیم، جری و تطبیق، مصداق اکمل، علی علیه السلام.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

rahimzadeh.moslem@razavi.ac.ir

\*\* استادیار گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران mirzaee@razavi.ac.ir

## مقدمه

تعبیر و اسم‌هایی همچون ضمائر، موصولات، اعلام، مصادر، اماکن، ازمه و ... به دلیل مشخص نبودن مصادیق و مبهم بودن، از دیرباز محل توجه و بحث عالمان علوم مختلف مانند غریب‌پژوهان، مفسران، مورخان و به‌ویژه اندیشمندان علوم قرآنی، ذیل بحث مبهمات قرآن، قرار گرفته است. موضوع بحث و مسئله ما «النبا العظیم» به عنوان یکی از تعبیر مبهم و پوشیده قرآنی است.

نگارش‌های اولیه درباره مبهمات، بر اساس تتبعی که از نگارندگان و محققان این وادی رسیده است، به قرن ششم از مورخ و ادیب برجسته به نام سهیلی (متوفای ۵۸۱ ه.ق.) با عنوان *التعریف والاعلام فیما ابهم فی القرآن من الاسماء والاعلام* برمی‌گردد (کحاله، ۱۴۰۸: ۶۴/۲). مقاله «بازخوانی کتاب تفسیر مبهمات القرآن»، به پیشینه نگارش‌ها تا عصر حاضر پرداخته است (رفیعی و شریفی، ۱۳۸۲: ۷۳-۷۴). نظر به اختلافی که در تأویل و مصداق خارجی «نبا عظیم» است، آرای گوناگون مفسران، از عصر نزول تاکنون، به آن معطوف بوده است که به تفصیل بیان می‌شود.

در قرون متأخر از عصر نزول کتاب‌ها و مقالات گوناگونی با عنوان مشابه «نبا عظیم» با محتوایی متفاوت نگارش یافته است. در این میان آنچه همسو با یافته‌های این مقاله است کتاب‌ها و مقالات متعددی در حوزه‌های مختلف تفسیری، علوم قرآنی، کلامی و روایی است که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. *علی علیه السلام الآیة الکبری والنبا العظیم* نوشته یحیی محمد السوداني، *النبا العظیم، نظرات جدیدة* از محمد عبدالله دراز، *النبا العظیم أو علی بن ابی طالب تألیف تقی آل الهندی المصعبی، النبا العظیم* تألیف صادق حسن علاوی، *النبا العظیم* از جواد سوسفطایی، *النبا العظیم فی شأن علی بن ابی طالب* از محمد سوری، از جمله آن کتاب‌ها است.

مقاله مختصر «آیات علوی (۵): علی علیه السلام نبا عظیم خداوندی» با رویکرد روایی نگاشته شده (شکوهی، ۱۳۷۹: ۳۲-۳۴) و بخشی از مقاله نقادانه «نظام العلاقة بین القرآن والسنة، تعقیب علی مقال الجری والتطبیق القرآنیان» (مرزه، ۱۴۲۶: ۱۵۳-۱۵۸) به موضوع مقاله نظر افکنده است.

نبا عظیمی که اختلاف درباره آن، در زبان وحی تصریح شده است، شوربختانه پس از نزول وحی، این بار مصداقش در روایات، کلام متکلمان، مفسران و قرآن‌پژوهان محل

اختلاف واقع شد. روایات فریقین درباره مصداق «نبأ عظیم» یکسان نیست و از قرآن تا معاد و علی بن ابی طالب (علیه السلام) و ... را، چنان که خواهد آمد، به عنوان مصداق «نبأ عظیم» نام برده‌اند. مفسران نیز در تفسیر «نبأ عظیم» از گذشته تا به حال هر یک، مصداقی برای «نبأ عظیم» بیان کرده‌اند. فقط برخی از آنان به دنبال وجه جمع مصادیق برآمده‌اند (برای نمونه نک: فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶/۳۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۰۷/۸؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۰/۳۰؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۱/۲۶، ۶). با این حال اثر مستقل و روشمندی نگاشته نشده است که توانسته باشد مستدل مصداق بارز «نبأ عظیم» را از میان مصادیق یادشده، اثبات و عرضه کند. این پژوهش در صدد بررسی مصادیق، مستندات و استدلال‌های یادشده و سپس کشف کامل‌ترین مصداق قابل دفاع «نبأ عظیم» است. بنابراین، پرسش اصلی در این پژوهش بارزترین مصداق «نبأ عظیم» در سوره نبأ است. فرضیه نگارندگان در این پژوهش، علی (علیه السلام) به عنوان مصداق اصلی و بارز «نبأ عظیم» در سوره نبأ است که با روش مفهوم‌سنجی روایی و زبان‌شناختی «نبأ عظیم» و رابطه مفهوم و مصداق اثبات شده است.

در این مقاله پس از بیان پیشینه، مفهوم‌شناسی «نبأ»، «جری» و «تطبیق» و رابطه زبان‌شناختی مفهوم و مصداق، با طرح آرای مفسران و بررسی سندی و دلالتی روایات، بارزترین مصداق روایی «نبأ عظیم» معرفی شده است.

سپس برای اثبات معتبر بودن این تفسیر، ارتباط زبان‌شناختی، میان محتوای روایات فوق و متن قرآن پیگیری شده که یکی از این روابط، رابطه مفهوم و مصداق است. برای نشان دادن این رابطه سه مرحله پیموده شده است که در آن از روش تفسیر قرآن به قرآن بهره برده‌ایم: ۱. یافتن مفهوم دقیق و کامل‌تری از «نبأ عظیم» و کشف پنج ملاک از سیاق سوره نبأ؛ ۲. مصداق‌یابی از قرآن به همراه مؤیداتی از تاریخ مسلم؛ ۳. تطبیق مصادیق و یافتن بارزترین مصداق. پایان‌بخش مقاله، پاسخ اشکالات سندی و محتوایی مخالفان است.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱.۱. «النبأ»

اسم مصدر از ماده «ن ب أ» در اصل به معنای از مکانی به مکانی دیگر آمدن است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۸۵/۵). بنابراین، شامل انتقال سخن از جایگاهی به جایی دیگر هم می‌شود (همان؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۳/۱۲). لذا لغویان «نبأ» را به معنای «خبر» گرفته‌اند

(فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۸۲/۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۶۲/۱). در تفاوت «نبا» و «خبر» گفته‌اند هر خبری نبا نیست بلکه خبری است که دارای سه شرط اصلی باشد: ۱. فایده بزرگی داشته باشد؛ ۲. مفید علم باشد؛ ۳. اگر مفید علم نیست سبب گمان غالب شود. در واقع، «نبا» خبری است که عاری از کذب باشد، مثل خبر متواتر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۸۸).

### ۱. ۲. «جری» و «تطبیق»

بیشتر آیات قرآن کریم به ظاهر مخصوص مناسبت‌های نازله می‌نماید و فراتر از آن نیست؛ اما این نگاه موجب می‌شود رسالت قرآن در گذر روزگار، ناکارآمد جلوه کند (معرفت، ۱۳۹۰: ۳۹). «جری» یا «تطبیق» عبارت است از انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیقی غیر از آنچه آیات درباره آنها نازل شده است (شاکر، ۱۳۷۶: ۱۴۷). یعنی مصادیق خارجی دیگری که وضعیت مشابه مورد نزول را دارد و در هر عصر و زمانی ممکن است وجود یابد (رستمی، ۱۳۸۰: ۱۶۵/۱). نقش مهم و اساسی مفاهیم باطنی قرآن و جری و تطبیق آنها، در جاودانه ماندن و کارآمد بودن قرآن در بستر تاریخ و در متن زندگی فردی و اجتماعی امت‌ها است (همان: ۱۷۵/۱) که به‌حق نیز چنین است (نک: عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۰/۱-۱۱). بنابراین، هرگز مورد نزول آیه‌ای، مخصّص آن آیه نخواهد بود، یعنی آیه‌ای که درباره شخصی یا اشخاصی معین نازل شده، در مورد نزول خود منجمد نشده، به جز موارد خاص، به هر چیزی که در صفات و خصوصیات، با مورد نزول آیه شریک است، سرایت خواهد کرد (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۲). از این رو روایاتی که مصداق معین می‌کنند به چند دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول: روایات بیانگر مصداق خاص و منحصر است، مانند آیه تطهیر؛

دسته دوم: روایاتی که بیانگر همه مراد خداوند از آیه نیستند، که خود بر سه قسم‌اند:

الف. روایات بیانگر مصادیق ظاهر آیه که اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول هم آنها

را در بر می‌گرفته است؛

ب. روایات بیانگر برخی از مصادیق ظاهر آیه که در گذر زمان پدید آمده است؛

ج. روایاتی که برخی از مصادیق باطن آیه را بیان می‌کنند.

هر سه قسم خود می‌تواند دو گونه باشد: گاهی حدیث، مصادیق غیرمنحصر آیه را بیان

می‌کند و گاه مصداق «اکمل و اتم» آیه را بیان می‌کند، هرچند معنای آیه منحصر در آن

مصدق نیست. در عین حال باید گفت گرچه تطبیق عمومات و اطلاقات قرآن بر افراد و جریان‌های عصری، طبیعی و عقلایی است، اما بسیاری از تطبیقات با روش‌های عرفی و زبان‌شناختی ناسازگار است (نک: شاکر، ۱۳۸۲: ۳۲۸-۳۲۹؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۳۳-۱۳۴).  
در این پژوهش روایات «نبا عظیم» بررسی شده تا مشخص شود در کدام یک از اقسام سه‌گانه فوق‌تر قرار دارد.

### ۱.۳. رابطه زبان‌شناختی مفهوم و مصداق

بیان چگونگی فهم مطالب از آیات، چیزی جز بیان ارتباط منطقی و زبان‌شناختی بین تفسیر و الفاظ قرآن نیست. این روابط انواع مختلفی دارد. «رابطه مفهوم و مصداق» یکی از معیارهای ارتباط منطقی و زبان‌شناختی تفسیر با الفاظ قرآن است. «مفهوم» یعنی صورت ذهنی انتزاعی از حقیقت اشیا؛ و «مصداق» آن چیزی است که مفهوم بر آن منطبق می‌شود. آنچه به عنوان «تفسیر» یا «تأویل» آیات قرآن بیان می‌شود اگر مصداق آیه بوده، به گونه‌ای که مفهوم لفظ آن را پذیرا باشد، قابل ارائه است. از آنجا که ارتباط زبان‌شناختی با الفاظ قرآن شرط لازم در اعتبار تفسیر است، اما شرط کافی نیست، یعنی نمی‌توان تفسیری را صرفاً به دلیل مصداق لفظ قرآن بودن، معتبر و حجت دانست، نیاز به معیارهای دیگری داریم تا تفاسیر را با آنها محک بزیم. این معیار اعتبار منابع تفسیر است (نک: شاکر، ۱۳۸۲: ۹۶-۹۸)، اما چون درباره حجیت و اعتبار برخی از منابع، نظیر خبر واحد اختلاف نظر وجود دارد، این پژوهش علاوه بر نشان‌دادن رابطه مفهوم و مصداق، در به دست دادن مفهوم جامع «نبا عظیم» و نیز در تطبیق مصداق، از منابعی چون قرآن و روایات مسلم فریقین بهره برده است.

### ۲. بیان آرا با هدف تبیین محور اصلی

مفسران؛ برخی از مفسران پرس‌وجو از «نبا عظیم» را مربوط به مسئله معاد و قیامت می‌دانند (نک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۸۴/۴؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۳۰۶/۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۰۲/۱۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵۹/۲۰). البته بعضی گفته‌اند مراد از «نبا عظیم» قرآن است (نک: شیبانی، ۱۴۱۳: ۲۹۹/۵؛ محلی و سیوطی، ۱۴۱۶: ۵۸۵). بعضی دیگر معتقدند «نبا عظیم» عبارت است از عقایدی نظیر اثبات صانع، صفات او، ملائکه، رسولان و ... که محل اختلاف کافران بوده است (طبرسی، ۱۳۷۲:

۶۳۹/۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۴/۵؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ۳۷۵/۲؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۳۳۱/۵. در مجموع، آیات این سوره نشان می‌دهد که تفسیر آن به معاد از همه برتر است و مؤید این معنا نیز سیاق آیات این سوره است که در آنها به مسئله قیامت و صفات آن و استدلال بر حقیقت آن پرداخته شده است (نک: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۶/۲۶).

**روایات فریقین؛** در تفاسیر ماثور اهل سنت بر قرآن و معاد تکیه شده است (نک: طبری، ۱۴۱۲: ۲/۳۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰۵/۶) اما در روایات متعددی که از طریق اهل بیت (علیهم‌السلام) و بعضی از طرق اهل سنت (نک: حلی، ۱۹۸۲: ۲۱۱؛ به نقل از رساله الاعتقاد ابوبکر محمد بن مؤمن شیرازی) نقل شده، «نبا عظیم»، به شخص حضرت علی (علیه‌السلام) یا به مسئله ولایت، امامت، و خلافت ایشان تأویل شده (که محل اختلاف و گفت‌وگوی عده‌ای بود) یا به مسئله «ولایت» به صورت مطلق (به گونه‌ای که شامل تمام اهل بیت (علیهم‌السلام) شود) تفسیر شده است (نک: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۰/۲۶). از جمله این روایات، احادیث نقل شده با صیغه أفعال تفضیل (بناء أعظم) است که مصداق اکمل را مشخص می‌کند و محل بحث این پژوهش است.

### ۳. بارزترین مصداق در روایات

در میان منابع روایی شیعه، صرف نظر از تشابه محتوایی و بعضاً سندی، در مجموع، هشت روایت درباره «نبا أعظم» نقل شده است که همگی به قول حضرت علی (علیه‌السلام) مبنی بر اینکه «خداوند خبری بزرگ‌تر از ایشان ندارد» ختم می‌شود. این روایات شامل یک روایت از حضرت علی (علیه‌السلام)، چهار روایت از امام باقر (علیه‌السلام)، یک روایت از امام صادق (علیه‌السلام) و دو روایت از امام رضا (علیه‌السلام) می‌شود. مواضع لازم از این روایات با سند چنین است:

#### ۳. ۱. بیان روایات

**روایت اول:** محمد بن حسن صفار، از أحمد بن محمد، از ابن اُبی عمیر و غیر او [عطف]، از محمد بن فضیل، از اُبی حمزة ثُمّالی، از امام باقر (علیه‌السلام) نقل کرده است: «کانَ أَمیرُ الْمُؤْمِنینَ عَلِیهِ السَّلَامُ یَقُولُ: «مَا لِلَّهِ آیَةُ أَكْبَرَ مِنِّیْ وَ لَا لِلَّهِ مِنْ نَبِیٍّ عَظِیمٍ أَعْظَمُ مِنِّیْ»؛ حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) پیوسته می‌فرمودند: خداوند نشانه‌ای بزرگ‌تر از من ندارد و خداوند در میان اخبار بزرگ، خبری بزرگ‌تر از من ندارد» (صفار، ۱۴۰۴: ۷۶-۷۷).

**روایت دوم:** فرات بن ابراهیم، از جعفر بن محمد فزّاری، از محمد بن حسین، از محمد بن حاتم و او از ابو حمزه ثمالی نقل کرده: از آیات ابتدایی سوره نبأ از امام باقر علیه السلام پرسیدم. ایشان فرمودند: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ أَنَا وَاللَّهِ النَّبِيُّ الْعَظِيمُ. وَاللَّهُ مَا لِلَّهِ نَبَأٌ أَعْظَمُ مِنِّي؛ حَضَرَتْ عَلِيٌّ عليه السلام به اصحاب خویش پیوسته می فرمودند: به خدا سوگند من نبأ عظیم هستم ... به خدا سوگند برای خداوند خبری بزرگتر از من نیست» (کوفی، ۱۴۱۰: ۵۳۳).

**روایت سوم:** فرات کوفی متن روایت فوق را عیناً با سندی دیگر، از جعفر بن محمد، از احمد بن محمد رافعی، از محمد بن حاتم، از شخصی از اصحابش [ارسال]، از ابی حمزه ثمالی، از امام باقر علیه السلام نقل کرده است (همان).

**روایت چهارم:** علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، از پدرش، از حسین بن خالد، از امام رضا علیه السلام نقل می کند که در تفسیر آیات ابتدایی سوره نبأ فرمودند: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «مَا لِلَّهِ نَبَأٌ أَعْظَمُ مِنِّي ...» (قمی، ۱۴۰۴: ۴۰۱/۲).

**روایت پنجم:** کلینی از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد، از محمد بن ابی عمیر یا غیر او [تردید]، از محمد بن فضیل، از ابی حمزه نقل کرده است که او از امام باقر علیه السلام درباره تفسیر آیات ابتدایی سوره نبأ پرسید. ایشان فرمودند: «هِيَ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ ... لَا لِلَّهِ مِنْ نَبَأٍ أَعْظَمُ مِنِّي» (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۴/۱).

**روایت ششم:** به سند مرسل نقل شده است که حضرت علی علیه السلام در حالی که علی بن دراع را از افکارش باخبر می کرد درباره آیات ابتدایی سوره نبأ به او فرمود: «تَاللَّهِ يَا عَلِيُّ! مَا اخْتَلَفَ الْمَلَأُ إِلَّا بِي، وَ مَا لِلَّهِ نَبَأٌ هُوَ أَعْظَمُ مِنِّي؛ اِي عَلِيُّ بْنِ دِرَاعٍ! بِه خدا سوگند مردم اختلاف نکردند مگر نسبت به من. و برای خداوند خبری بزرگتر از من وجود ندارد» (خصیبی، ۱۴۱۹: ۹۲).

**روایت هفتم:** ابن شهر آشوب مرسلأ از ابوالمضاصبیح از امام رضا علیه السلام نقل کرده که حضرت علی علیه السلام فرمود: «مَا لِلَّهِ نَبَأٌ أَعْظَمُ مِنِّي» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۸۰/۳).

**روایت هشتم:** شرف الدین استرآبادی، از محمد بن عباس، از احمد بن إدريس، از محمد بن احمد بن یحیی، از ابراهیم بن هاشم، به إسناد او [ارسال]، از محمد بن فضیل نقل کرده درباره آیات ابتدایی سوره نبأ از امام صادق علیه السلام پرسیده است. ایشان فرمودند: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَا لِلَّهِ نَبَأٌ هُوَ أَعْظَمُ مِنِّي» (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۳۴).



### ۳.۲. بررسی اسناد

به طور خلاصه سند روایت اول و پنجم با اندکی اختلاف یکسان است. درباره این دو سند:

اول: روات دو سند یعنی صفار (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۴)، کلینی (همان: ۳۷۸)، محمد بن یحیی العطار (همان: ۳۵۳)، أحمد بن محمد بن عیسی الأشعری (همان: ۸۳)، ابن ابی عمیر (همان: ۳۲۷؛ کشی، ۱۴۰۹: ۵۵۶) و ابی حمزة ثمالی (کشی، ۱۴۰۹: ۴۰۶؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۱۰۵) همگی امامی و ثقه‌اند، جز اینکه در این دو روایت مُحَمَّدُ بْنُ الْفُضَّيْلِ وجود دارد که طبق گفته شیخ طوسی او را به غلو متهم کرده‌اند (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۶۵) و خود شیخ نیز او را تضعیف کرده است (همان: ۳۴۳). البته در فهرستش جرح یا تعدیل نشده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۱۶). چنانچه نجاشی او را جرح یا تعدیل نکرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۶۷). بین رجالیان درباره او اختلاف است (نک: موسوی خویی، بی تا: ۱۴۷/۱۷؛ مامقانی، بی تا: ۱۷۲-۱۷۳). با توجه به تحقیقات برخی، او نیز امامی و ثقه است (نک: نمازی، ۱۴۱۴: ۲۸۸/۷؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۲۷۶۷/۸).

دوم: سند روایت پنجم عبارت «مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ أَوْ غَيْرِهِ» را با تردید آورده که نتیجه‌اش مجهول‌بودن راوی است. در حالی که سند صفار با «او عطف» همراه شده و این عارضه را ندارد. این سند با توجه به امامی و ثقه‌بودن سایر روات صحیح است.

در سند روایت دوم و سوم، اول: «فرات» و «محمد بن حاتم» مجهول‌اند. زیرا نام آنها در کتب رجالی متقدم نیست. دوم: در روایت سوم علاوه بر مجهول‌بودن «أحمد بن محمد الرافعی» در قسمت «رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ» راوی مجهول است.

در سند روایت چهارم «الْحُسَيْنُ بْنُ خَالِدِ الصَّيرَفِيِّ» مجهول‌الحال است (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۵۵؛ برقی، ۱۳۴۲: ۵۳) و روایت ضعیف است. برخی با تجمیع قرائن او را در نهایت حُسن و جلالت می‌دانند (شیخ کبیر، ۱۴۳۲: ۵۲۱-۵۲۲؛ مامقانی، بی تا: ۳۲۷/۱). لذا روایت با لحاظ وثاقت علی بن ابراهیم (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۰) و ابراهیم بن هاشم (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷؛ حلی، ۱۴۰۲: ۵؛ نک: بحرانی، ۱۴۱۲: ۸۶-۸۸) دست‌کم حَسَن است، بلکه برخی آن را صحیح می‌دانند<sup>۱</sup> (نک: نرم‌افزار درایة النور؛ شبیری زنجانی، ۱۳۷۶: ۵۰؛ و نیز نک: شبیری زنجانی، ۱۳۸۲: ۷۰۰/۷).

روایت ششم، هفتم و هشتم به دلیل ارسال ضعیف‌اند. ضمن اینکه نام «علی بن دراع» در روایت ششم و «ابوالمضاصبیح» در روایت هفتم در کتب رجالی متقدم نیامده و مجهول‌اند.

شایان ذکر است که بررسی سندی در روایات تفسیری، اغلب ناکارآمد است (برای دلایل نک.: معرفت، ۱۳۹۰: ۳۱۷). بر فرض صحت نیز اخبار آحاد فوق حجت نیست؛ زیرا در حیطه روایات فقهی نیست، بلکه در حوزه عقاید جای دارد که غیر از علم، در آن معتبر نیست (نک.: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۵۶-۱۵۷). کارکرد این روایات بیشتر در محتوای آنها است. اگر پیچیدگی آیات را حل کنند قابل استفاده‌اند؛ کارکردی مثل مصداق بارز که می‌تواند برای جمع مصادیق به کار رود. از این‌رو صرفاً به دلیل ضعف سندی، روایت را کنار نمی‌گذارند و به بررسی دلالت و اثبات آن اهتمام می‌شود.

### ۳.۳. دلالت احادیث

از این روایات دو برداشت می‌شود:

**اول.** روایات فوق مصداق منحصر نأ را مشخص کرده‌اند. این احتمال با اینکه «ال» در «النبا» ال عهد باشد سازگار است (طیب، ۱۳۷۸: ۳۴۹/۱۳).

**دوم.** آنچه ظاهرتر است این است که روایات مذکور از میان همه مصادیق با صیغه افعال تفضیل، بارزترین مصداق را بیان کرده‌اند و این پژوهش بر این برداشت استوار است. اثبات اینکه حضرت علی (علیه السلام) بارزترین مصداق هستند به گونه‌ای که برای منکران قابل عرضه باشد، گام دومی است که این پژوهش از زاویه ارتباط زبان‌شناختی بین مفهوم «نبا عظیم» و مصداق اکمل آن، یعنی علی (علیه السلام)، دنبال کرده است.

### ۴. اثبات اکملیت حضرت علی (علیه السلام)

برای اثبات محتوای روایات، رابطه زبان‌شناختی شدیدی که بین مفهوم جامع «نبا عظیم» و حضرت علی (علیه السلام) وجود دارد، طی چند مرحله در حد ظن اطمینانی تصویر شده است و ثابت می‌شود نبا اعظم الهی، حضرت علی (علیه السلام) است. ملاک‌های «نبا عظیم» در دیگر مصادیقی که در مقاله بدانها اشاره شده مثل قیامت مشترک است، ولی با بررسی و تطبیق این ملاک‌ها و مصادیق اختلافی میان مسلمانان و غیرمسلمانان، ثابت می‌شود مصداق پایدار و کامل و بدون اشکال، علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.

### ۴.۱. ملاک‌های نبا عظیم

مرحله نخست کشف مفهومی جامع از «نبا عظیم» با روش تفسیر قرآن به قرآن

است. این مفهوم منحصر به یک مصداق نیست و در مصادیق مختلف شدت و ضعف دارد. ملاک‌هایش عبارت‌اند از:

**یک.** پیوسته موضوع پرس و جو بودن: سؤال ممکن است معانی گوناگونی مانند اثبات و اقرار، نفی و انکار، نهی، سخریه یا ریشخند، تعجب، و تحقیر در بر داشته باشد (نک: ابن‌هشام، ۱۴۰۴: ۱۷/۱-۱۸). از این رو به طرح و نحوه سؤال برمی‌گردد (صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵: ۹/۳۰). برخی به طور خاص به تمسخر اشاره کرده‌اند (بلخی، ۱۴۲۳: ۵۵۷/۴؛ طالقانی، ۱۳۶۲: ۱/۳، ۵). در آیه «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ»، کلمه «يَتَسَاءَلُونَ» مضارع باب «تَفَاعُل» است که نشان می‌دهد مردم پیوسته درباره «نبا عظیم» از یکدیگر پرس و جو (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵۹/۲۰) و راجع به آن گفت‌وگو کرده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶/۳۱).

**دو.** مهم بودن در سرنوشت انسان (شقاوت و سعادت): از طرفی تعبیرکردن از «خبر» با واژه «نبا» نشان از این دارد که خبری مهم است، به گونه‌ای که بسیار سرنوشت‌ساز، اساسی و تأثیرگذار بوده و با آینده مخاطب پیوند خورده است. از جانب دیگر، نبأ مذکور، از دیدگاه خداوند متعال سرنوشت‌ساز و مهم است؛ و چون از دیدگاه خدا است به هدایت انسان مرتبط است؛ در نتیجه قبول آن با هدایت انسان گره خورده است؛ این یعنی پذیرش آن خبر یا رد آن، معیار سعادت و شقاوت است؛ و به دیگر سخن از چنان اهمیتی برخوردار است که اصل دین، اکمال و ابقای آن به این مسئله وابسته است؛ موضوعی که بدون تحقیق و تثبیت آن، بزرگ‌ترین و آخرین رسالت الهی، یعنی رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم ناقص و ناتمام اعلام می‌شود (نک: مائده: ۳ و ۶۷؛ جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ۲۲۱-۲۲۲).

**سه.** آثار اغماض‌ناپذیر: توصیف «نبا» به «عظیم‌بودن» نشان از این دارد که قبول یا رد آن، آثار جدی دارد. فرق این ویژگی با ویژگی قبلی این است که هر نبأیی سرنوشت‌ساز است. اما اگر عظیم شد آنگاه تأثیراتش فوق‌العاده مهم و اغماض‌ناپذیر است. دلیل این برداشت هم این است که اصل در قیدها تأسیسی بودن است. در نتیجه وصف «عظیم» علاوه بر تأکید، اهمیت را نیز می‌رساند (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵۹/۲۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۶۴/۳). بنابراین «نبا» که به معنای خبر سرنوشت‌ساز است وقتی «عظیم» هم باشد نمی‌توان آثارش را نادیده گرفت.

**چهار.** وجود اختلاف: با توجه به آیه «الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ» (همان خبری که

پیوسته در آن اختلاف دارند)، برخی به شدت در مقابل آن جبهه می‌گیرند و برخی آن را می‌پذیرند؛ لذا مردم درباره آن در جبهه واحدی نیستند. این اختلاف درجات مختلفی دارد. از جمله عواملی که میزان شدت اختلاف را مشخص می‌کند و در تطبیق مصادیق باید مد نظر باشد عبارت است از:

**الف. منشأ اختلافات باشد؛** اختلافی که منشأ و علت تمامی اختلافات بعدی است، به صورتی که تغییر بنیادین نسبت به آن و جبهه‌گیری در مقابلش، باعث تغییر و انحراف در حوزه‌های دیگر شود؛

**ب. چنددستگی ایجاد کند؛** شدت اختلاف به میزان گروه‌ها و فرقه‌هایی که ایجاد می‌کند بستگی دارد، یعنی آن اختلاف فکری و عقیدتی به اندازه‌ای پیش برود که به پیدایش مذاهب کلامی، و مکاتب فکری مختلفی بینجامد؛

**ج. پایدار باشد؛** یعنی اختلاف نه تنها در طول زمان کاهش نیابد، بلکه هر روز که از آن می‌گذرد دایره وسیع‌تری از شکاف ایجاد کند.

**پنج. ظهور این خبر در دو جایگاه:** دو آیه «كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ» ناظر به بروز حقیقت این خبر در دو جایگاه مختلف است؛ زیرا واژه «ثُمَّ» بر ترتیب و فاصله دلالت دارد (درویش، ۱۴۱۵: ۳۵۱/۱۰). برخی از مفسران تکرار جمله را صرفاً از باب تأکید دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۳/۳۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶۱/۲۰) که پذیرفتنی نیست؛ زیرا حرف عطف مانع این برداشت است (نک: حقی بروسوی، بی‌تا: ۲۹۳/۱۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۰۴/۱۵). بلکه باید گفت تکرار تأکید را شدیدتر کرده، در عین حال «ثُمَّ» دلالت بر وعده‌ای دیگری دارد که شدیدتر است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۸۴/۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۷/۳۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۷۴/۵؛ درویش، ۱۴۱۵: ۳۵۱/۱۰).

#### ۴. ۲. مصادیق نبأ عظیم

مرحله دوم بیان مصادیق «نبأ عظیم» است. با استفاده از قرآن و تاریخ محل اتفاق شیعه و سنی، چند چیز مطرح شده است که مردم در آنها اختلاف کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. البته به حسب مخاطب نیز متفاوت است. مصادیق «نبأ عظیم» با مدد از قرآن، با توجه به ملاک‌های مذکور و متناسب با هر مخاطب ارزیابی می‌شود. آنچه در تفاسیر برای «نبأ عظیم» به عنوان مصداق معرفی شده بیش از اینها است، به

گونه‌ای که تمام اصول دین نیز مطرح شده است (نک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۳۹/۱۰؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۶/۲۶)، اما هدف بیان مصادیقی است که اختلاف به پا کرده است.

### الف. مصادیق نبا عظیم در خصوص مشرکان

مشرکان در برابر پنج چیز اختلاف داشته‌اند:

**یکم. توحید؛** توحید برای مشرکان پذیرفتنی نبود و در برابر آن به شدت اختلاف داشتند (برای نمونه نک: ص: ۵).

**دوم. نبوت؛** پذیرش نبوت نیز بر مشرکان گران آمد و معتقد بودند نزول وحی بر انسان غیرممکن است و این فقط از عهده فرشتگان برمی‌آید. این اختلاف در آیات متعددی از قرآن مطرح شده است (نک: قمر: ۲۴؛ مؤمنون: ۲۴-۳۳-۳۴).

**سوم. معاد؛** کفار در پذیرش معاد نیز مقاومت کردند. آیات فراوانی به این نکته اشاره کرده است (نک: سبأ: ۷-۸؛ مؤمنون: ۳۵-۳۶؛ نمل: ۶۶).

**چهارم. قرآن؛** اختلاف درباره قرآن بین مشرکان از سحرانگاری تا اسطوره‌انگاری و انکار، گوناگون بوده است (نک: انعام: ۴-۵؛ نحل: ۲۴؛ انبیاء: ۲؛ مؤمنون: ۶۶؛ لقمان: ۷؛ ص: ۶۵-۶۸؛ جاثیه: ۸؛ مدثر: ۱۷-۲۵؛ مطففین: ۱۳).

**پنجم. ابلاغ خبر جانشینی پیامبر ﷺ در مکه؛** نبا عظیم جانشینی به معنای عام (بدون تعیین مصداق) در فضای مکه و پیش از هجرت، زمانی که قبیله «بنی عامر بن صعصعه» شرط اسلام آوردن خود را واگذاری جانشینی به آنان برشمردند، مطرح شده است. اما پیامبر ﷺ آن را منصبی وابسته به جعل الاهی دانست. در نتیجه آنان از اسلام آوردن سرباز زدند (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۷۱/۳).

پیش از اختلاف یادشده نیز، نبا عظیم جانشینی به معنای خاص، که با تعیین حضرت علی (علیه السلام) همراه است، به طور حتم در واقعه «یوم‌الدار» مطرح شده است (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۱۶۵/۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۲۰/۲؛ صدوق، ۱۳۸۵: ۱۷۰/۱؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۸۲). البته مناقشات بی‌پایه درباره آن پاسخ داده شده است (امینی، ۱۴۱۶: ۴۰۵/۲-۴۰۸؛ عاملی، ۱۳۸۶: ۱۵۶/۳-۱۶۳ و ۱۷۶-۱۹۵؛ احمدی میانجی، ۱۳۸۶: ۳۵/۱۵-۶۰). حتی در یادکرد خلفای اول (طبری آملی، ۱۴۱۵: ۵۷۷؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۵۰/۴۲) و دوم (یعقوبی، بی‌تا: ۱۵۹/۲) نیز به چشم می‌خورد؛ و بعدها حضرت علی (علیه السلام) نیز به آن احتجاج کرد (خصیبی، ۱۴۱۹: ۱۰۲). برای

تحلیل این ماجرا و اثبات اختلاف در امر جانشینی، با دو مقدمه کلی اقامه استدلال می‌شود:

**مقدمه اول؛** پذیرش خبر شایع درباره یوم‌الدار (که برگرفته از کتاب طبری است) با اصل انتصابی بودن جانشینی هر پیامبر، از جمله پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در تعارض بوده و از این جهت هم‌زمان با انذار در یوم‌الدار، موضوع جانشینی و معارفه علی علیه السلام مطرح بوده است. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از دستور «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء: ۲۱۴)؛ خویشاوندان خود را به مهمانی دعوت کرد و ضمن انذار بنی‌عبدالمطلب و اعلان دعوت خود فرمود: «خداوند برای هر پیامبری جانشینی مشخص کرده است، برای من هم جانشینی تعیین کرده است». آنگاه با وجود بیان نبوی: «والله اخبرنی و سمّاه لی» (ابن‌طاووس، بی‌تا: ۱۰۶) اگر پرسشی در جمع فرزندان عبدالمطلب مطرح شده، در واقع از آن کسی است که خداوند خبرش را به پیامبر صلی الله علیه و آله داده و نامش را هم برای ایشان مشخص فرموده است، و پرسش دیگری مفهوم نمی‌یابد. و اگر علی علیه السلام پاسخی می‌دهد به اعتبار اطلاعی است که علی علیه السلام از موضوع دارد (نک: عاملی، ۱۳۸۶: ۱۶۰/۳-۱۶۲ و ۱۷۳-۱۷۴). پس از پاسخ علی علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله درباره ایشان فرمودند: «إِنْ هَذَا أَخِي وَ وَصِيٌّ وَ خَلِيفَتِي فَيَكُم، فاسمعوا له و أطيعوا؛ علی برادر، وصی و جانشین من است. هم‌اینک از او بشنوید و اطاعت کنید» (طبری، ۱۳۸۷: ۳۲۱/۲؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۸۳).

**مقدمه دوم؛** واقعه یوم‌الدار، معرفی جانشین و دستور به اطاعت‌پذیری از او سبب تنش، اختلاف و واکنش شدید قریش شده است. در حالی که قبل از این ماجرا، پیامبر صلی الله علیه و آله در سه سال اول بعثت، با ملایمت و نرمی و آرامش، بدون تنش و آرام‌آرام، مردم را دعوت می‌کرد و عده‌ای، هرچند اندک، نیز به آن حضرت ایمان آوردند (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۷۸) به گونه‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله حتی علناً به همراه حضرت علی علیه السلام و خدیجه (س) در منظر همگان نماز و طواف به جا می‌آورد (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۲۶۶/۳) ولی مبارزه تنش‌زایی در بین نبود. اما واقعه یوم‌الدار نقطه عطفی در مبارزات پیامبر صلی الله علیه و آله با مشرکان است و سبب درگیری‌های جریان‌داری شده که از آن مجلس کلید خورده است، چنانچه در همان مجلس نیز جبهه‌ای با صحنه‌گردانی ابولهب زبان به اعتراض گشودند و به تمسخر گفتند: «تا دیروز فرزند ابوطالب باید از او تبعیت می‌کرد حال او باید از کودکش تبعیت کند؛ فقام القوم یضحکون، و یقولون لأبی طالب: قد أمرک أن تسمع

لابنک و تطیع» (طبری، ۱۳۸۷: ۳۲۰/۲-۳۲۱). این جبهه‌گیری، اول به استناد سنت‌های جاهلی مانند لزوم شرافت نسب و کبر سن سردمداران بوده (نک: صفری فروشانی و قاضی‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۲۸-۱۳۰) و دوم با سیاست استهزا که دستور کار اولیه مشرکان است و اثر تبلیغاتی بسیار دارد آمیخته است (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۸۲)؛ و سوم حسدورزی، جدیت دعوت اسلامی و رقابت‌های قومی و قبیله‌ای نیز بر این اختلاف دامن زده است (نک: صفری‌فروشانی و قاضی‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۲۸-۱۳۱)؛ در این میان سکوت ابوطالب، به عنوان سردمدار قریش، جبهه دوم را تشکیل می‌دهد. این سکوت نشان از رضایت ایشان به دعوت اسلامی و نیز جانشینی است؛ زیرا قبل و بعد از این ماجرا حمایت ایشان از پیامبر قطعی است (عاملی، ۱۳۸۶: ۱۷۰/۳ و ۳۵۲-۳۵۸).

این تنش‌ها به همان مجلس ختم نشده و واکنش‌های بعدی را در پی داشته است که منشأ اصلی اش بذر کینه‌ای است که در همین قضیه کاشته شده است. تعیین جانشین، قریش را از خواب غفلت بیدار، و امر پیامبر را امری ادامه‌دار معرفی کرد که با رحلت پیامبر نیز پایان نمی‌پذیرد، حتی پس از آن نیز سهمی نخواهند داشت. از این‌رو عکس‌العمل‌های شدیدی طی مراحل ترتیب دادند که از جمله آنها استهزای علنی پیامبر، تهمت و توهین به سحر و دیوانگی، تطمیع، اتحاد علیه بنی‌هاشم و حتی تهدید و اقدام به قتل پیامبر ﷺ بود. همگی این اقدامات بعد از دعوت خویشان و موضع‌گیری خواص مشرکان، در مکه رخ داد و نهایتاً به جنگ‌هایی در مدینه انجامید (نک: دشتی، ۱۳۸۸: ۸۵-۸۹).

بنابراین، مسئله جانشینی حضرت علی علیه السلام در مکه، حداقل در میان خواص مشرکان، محل اختلاف بوده است.

### ب. مصادیق «نبا عظیم» در خصوص مسلمانان

پس از شکل‌گیری جامعه نبوی در مدینه و گرویدن گروه‌ها و طوایف به اسلام، کدامین خبر پیامبر ﷺ در میان مسلمانان موجب اختلاف شد و مصداق «نبا عظیم» چه کسی می‌توانست باشد؟ مسلماً اصول سه‌گانه، توحید، نبوت، و معاد و نیز قرآن از باورهای روشن آنان بود. از این‌رو اینها نمی‌تواند مصداقی از اختلافاتشان باشد. بنابراین، نیاز است مصادیق اختلافی بین مسلمانان بررسی شود. گزارش‌ها نشان می‌دهد سه خبر در میان آنان جنجال آفریده است:

**یکم. ازدواج با همسر پسر خوانده:** ماجرای ازدواج پیامبر ﷺ با «زینب بنت جحش» همسر مطلقه «زید بن حارثه» پسر خوانده پیامبر ﷺ به دلیل قبیح دانستن چنین ازدواجی در جامعه جاهلی، سبب پرسش و اختلاف بین برخی از مسلمانان شد. ترس از افکار غلط عمومی جامعه و خطر ارتداد، مانع ازدواج پیامبر ﷺ بود. ولی تنها راه حل این سنت غلط، اقدام عملی رسول خدا ﷺ بود که با دستور خداوند آن را اجرا کرد (نک: احزاب: ۳۷؛ قمی، ۱۴۰۴: ۱۷۳/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۶۴/۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۸۱/۱۶؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۳۱۶/۱۷-۳۱۷).

**دوم. قضیه افک:** ماجرای افک (بهتان بزرگ) در آیات ۱۱-۲۶ سوره نور و دادن نسبت فحشا به خانواده رسول خدا ﷺ و اشاعه آن در فضای جامعه از سوی منافقان، از دیگر مسائل جنجالی و اختلافی میان مسلمانان بود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸۹/۱۵).

**سوم. مسئله جانشینی پیامبر در حجة الوداع:** مسئله جانشینی پیامبر ﷺ در جامعه مسلمانان جنجال بسیار به پا کرد. این اختلاف میان صحابه مطرح بود. آشوب قریشی ها در مکه برای ممانعت از معرفی علی (علیه السلام) به جانشینی بعد از پیامبر ﷺ در آخرین حج و سال عمر پیامبر ﷺ و نگرانی حضرت از خارج شدن مسیر دعوت در آستانه رحلت، از دیگر امور اختلافی و جنجالی میان مسلمانان بود (نک: عاملی، ۱۳۸۶: ۱۵۹/۳۱-۱۸۴). نزول آیه تبلیغ (مائده: ۶۷) در غدیر، قریشیان را ناکام گذاشت ولی اختلافات از بین نرفت. این آیه ناظر به رویدادهای رخ داده در آن فضا است (نک: طبری آملی، ۱۴۱۵: ۴۶۶؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۶۵/۱).

مؤید مطالب فوق روایتی است که در آن حضرت علی (علیه السلام) ارتباط مستقیم «نبا عظیم» را با غدیر بیان فرموده است: «أَنَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ، الَّذِي اكْمَلَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الدِّينَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ؛ مَنْ هَسْتُمْ أَنْ خَبَرَ عَظِيمِي كَمَا خَدَاوَنَدَ تَعَالَى فِي رَوْزِ غَدِيرِ خَمٍّ بِه وَسِيْلَهْ أَنْ دِيْنَ رَا كَامَلْ كَرْد» (ابن شاذان، ۱۳۶۳: ۸۴). در کلامی دیگر، آن حضرت به بیان «هُم فِيهِ مُخْتَلَفُونَ» می پردازد و با اشاره به برنامه عظیم غدیر، سزای این اختلاف ناروا را به قیامت وامی گذارد و می فرماید: «به خدا قسم منم آن نبا عظیمی که درباره آن اختلاف کردید و بر سر ولایت من به نزاع پرداختید، و پس از آنکه ولایت مرا پذیرفتید از آن بازگشتید، ... و در روز غدیر دانستید، و روز قیامت نتیجه آنچه انجام دادید را خواهید دانست» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۷۹/۳؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۳۴؛ همچنین نک: انصاری، بی تا: ۴۴۳/۳). نیز، در روایتی آن حضرت در معرفی روز غدیر می فرماید: «هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ



به تُکذَّبُون؛ این روز همان روز جداسازی حق از باطل است که آن را تکذیب می‌گردید» (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴۳/۳؛ انصاری، بی‌تا: ۲۹۷/۳).

بنابراین، اختلاف بر سر جانشینی پیامبر اکرم ﷺ قطعاً در مدینه مطرح است. در مکه نیز حداقل در میان خواص مشرکان مطرح بود.<sup>۲</sup>

#### ۴. ۳. تطبیق مصادیق با هدف بیان رابطه زبان‌شناختی

مرحله سوم تطبیق ملاک‌ها بر مصادیق است تا مشخص شود این ویژگی‌ها بر کدام یک از مصادیق صادق است، و بر کدام یک، از تطبیق بیشتری برخوردار است:

**الف. تطبیق ملاک‌ها بر مصادیق مدنی؛** ملاک‌های «نبا عظیم» درباره داستان زید بن حارثه تطبیق نمی‌کند؛ زیرا هرچند راجع به این خبر جنجال و مسائل بود ولی عظمت توحید، نبوت و معاد را ندارد، چه اینکه مسئله‌ای فقهی و مربوط به حوزه عمل بوده است. پس اولاً سرنوشت‌ساز نبوده و ثانیاً عمل به آن در بین مسلمانان رواج یافت و تثبیت شد. ماجرای افک نیز وضعیت مشابهی داشت و با نزول آیات و تذکرات قرآن خاتمه یافت.

**ب. تطبیق مصادیق مکی؛** پنج موضوعی که برای مشرکان بیان شد خبرهای مهمی بوده و از مصادیق «نبا عظیم» است (نک: صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۲/۳۰-۱۳)؛ زیرا خبرهای بسیار فراگیری است و کفار هم در برابر آنها اختلاف و گفت‌وگو می‌کردند. توحید، نبوت، معاد و قرآن چنین ویژگی‌هایی دارند، اما جانشینی علی علیه السلام علاوه بر آنکه در بین مشرکان و کفار موجب سؤال بود با اختلافات و پرس‌وجوهای داخل جامعه مسلمان نیز تطبیق‌پذیر است، بلکه مصداق اتم این ملاک در این عرصه است. وجه برتری خبر از ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، گستردگی دایره اختلاف در آن است؛ زیرا علاوه بر وجود اختلاف بر سر جانشینی میان کفار، مشرکان و منافقان، در بین مسلمانان نیز اختلاف و درگیری وجود داشت. از طرفی خبر از توحید، نبوت، و معاد در دعوت پیامبران علیهم السلام سابقه داشت و اذهان بدان آشنا بود، و نباید این‌گونه موجب سؤال و تحیر شود (نک: طالقانی، ۱۳۶۲: ۴/۳-۵).

طبق ملاک‌ها نیز، گرچه سیاق آیات بر اساس نظر برخی مفسران، درباره قیامت است، اما نبا ولایت، اعظم از قیامت است، چه اینکه در داشتن مجموع ملاک‌ها شدت دارد.

یک. درباره پذیرش آن سؤالات و گفت‌وگوهای متفاوتی بر سر زبان‌ها است؛  
 دو. بسیار سرنوشت‌ساز و جداکننده حق و باطل است، در نتیجه سعادت و شقاوت  
 به آن بستگی دارد؛ چراکه طبق آیه تبلیغ (مائده: ۶۷) مسئله جانشینی آن‌قدر مهم و  
 سرنوشت‌ساز بوده است که اصل دین اسلام، اکمال و ابقای آن، اتمام نعمت و ابلاغ  
 رسالت الاهی به این مسئله وابسته است (نک: جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ۲۲۲).  
 سه. و چون این‌گونه است نمی‌توان از آثار جبهه‌گیری در مقابل آن چشم پوشید.  
 گمراهی بیان‌شده در حدیث ثقلین، در صورت چنگ‌نزدن به قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) هم  
 اشاره به این مطلب دارد (نک: صفار، ۱۴۰۴: ۴۱۳).  
 چهار. درباره آن به شدت اختلاف است؛ و سه عامل تعیین‌کننده شدت اختلاف در  
 آن قوی‌تر است:

۱. علت اصلی بر هم خوردن اتحاد مسلمانان چیزی جز تغییر بنیادین نظام  
 امامت و خلافت نبود؛ چه اینکه با اختلاف در ولایت در سایر امور از جمله اصول  
 سه‌گانه توحید، نبوت و معاد و همچنین فهم قرآن اختلاف پیش می‌آید و انکار آن،  
 به دیگر امور هم سرایت می‌کند (نک: طاهرزاده، ۱۳۸۹: ۱۸۰-۱۸۲). گذشته از اصول  
 عقاید این اختلاف تا آنجا پیش رفته که منشأ اختلاف در نوع احکام از واجبات،  
 مستحبات، محرمات، حدود و دیات و مواردی هم شده است (طیب، ۱۳۷۸: ۱۳/۳۵۰).  
 ۲ و ۳. مهم‌ترین اختلافی که مسلمانان را رو در روی هم قرار داد و تاکنون نیز  
 ادامه دارد، اختلاف در مسئله امامت و وصایت و جانشینی پیامبر بود که مسلمانان را  
 از جهت عقیده دچار تفرقه کرد و فرقه‌های گوناگونی ایجاد شدند و حتی اکنون هم  
 امت اسلامی از آن رنج بسیار می‌برد (جعفری، ۱۳۷۶: ۳/۴۴۳).  
 پنج. در دو جایگاه با آن روبه‌رو می‌شوند. البته اینکه این دو جایگاه کدام‌اند در  
 روایات بیان شده است که یکی لحظه مرگ و دیگری قیامت است (مثلاً نک: طوسی،  
 ۱۴۱۴: ۶۲۶-۶۲۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵۱۹/۱؛ حر عاملی، ۱۴۱۸: ۳۰۳-۳۲۳).  
 بنابراین، با این تحلیل به این نتیجه می‌رسیم که مصداق اعظم و اکمل در بین مصادیق  
 یادشده، حضرت علی (علیه‌السلام) و ولایت مستقر در ایشان و اهل بیت (علیهم‌السلام) است که اثرش در  
 سعادت و شقاوت فوق‌العاده بوده و حتی از معاد بیشتر است؛ زیرا بهشت تجلی رضایت  
 و ارتباط با آنها است و جهنم تجلی قطع مودت با آنها (برای نمونه نک: طوسی، ۱۴۰۷: ۳/۹۸).

## ۵. ادله مخالفان و پاسخ آنها

**دسته اول.** برخی از علمای اهل سنت گفته‌اند احادیثی از این دست، ساختگی است و به دست غلوکنندگان جعل شده است و شیعیان معتدل این گونه روایات را روا نمی‌دارند (شادی، بی تا: ۲۱۶؛ ابوعزیز، بی تا: ۷۹؛ الامین، ۱۴۲۱: ۲۱۰).

**دسته دوم.** برخی از شیعیان مخالف این تأویلات می‌گویند شأن اهل بیت علیهم‌السلام بالاتر از این است که این دست تأویلات ساختگی بخواهد جایگاهی برای آنها درست کند و برای اثبات حقانیت آنها نیازی به این تأویلات نیست، بلکه دلایل متقن بسیار وجود دارد (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۶۵/۷، پاورقی ۱، به نقل از: ابوالحسن شعرانی). در ادامه اشکالات آنها را بیان می‌کنیم.

### ۵. ۱. اشکالات سندی و محتوایی

در میان معاصران نیز برخی اشکالات فنی تری به احادیث «نبأ عظیم» کرده‌اند و بنا به دلایلی چند این تطبیقات را بر آیه مخالف نص و سیاق آیات می‌دانند که عبارت‌اند از:

**الف.** در سند روایاتی که در تفسیر این آیه آمده غلات به چشم می‌خورد، مثلاً نام محمد بن فضیل آمده، که از غلات و جاعلان حدیث است (نک: طوسی، ۱۳۷۳: ۳۴۳، ۳۶۵؛ شاکر، ۱۳۷۶: ۱۷۵).

**ب.** درباره تفسیر مطرح‌شده در حدیث هم، نکاتی در خور توجه است:

**یکم.** آیه «الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ» حکایت از آن دارد که خبر مذکور (نبأ عظیم)، محل بحث و گفت‌وگو و اختلاف نظر در میان کفار و مشرکان بوده است. قطعاً در آن زمان مسئله ولایت علی علیه‌السلام محل بحث و گفت‌وگو و اختلاف نظر نبوده است! (شاکر، ۱۳۷۶: ۱۷۶).

**دوم.** آیات بعدی همگی درباره آفرینش و بازگشت زندگی به مردگان است که معلوم می‌کند مراد از «نبأ»، قیامت است (همان).

**سوم.** در ضمن این روایات، جمله‌ای به علی علیه‌السلام نسبت داده شده که امکان ندارد آن حضرت آن را گفته باشند، و آن جمله این است: «لَا لَئِنَّ نَبَأَ اعْظَمَ مَنِّي»؛ «خداوند خبری عظیم‌تر از من ندارد!». مگر آنکه علی علیه‌السلام را از همه مخلوقات خداوند، حتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بالاتر بدانیم! که این همان چیزی است که از اعتقادات غلات و صوفیه است (همان).

**چهارم.** این تعبیر خودستایی است و معصوم علیه‌السلام خودستایی نمی‌کند (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۸۱).

## ۵. ۲. پاسخ نقدهای سندی و محتوایی

### ۵. ۲. ۱. پاسخ نقدهای سندی

اول. در طریق تمام احادیث، غالیان قرار ندارند. باید توجه داشت ضعفی که ناشی از مجهول بودن راوی است، مثل حسین بن خالد متفاوت با ضعفی است که ناشی از تضعیف راوی (غلو) باشد و با تجمیع قرائن بتواند رفع شود. این موضوع در بررسی اسناد تصحیح این سند، از نظر گذشت.

دوم. مفهوم «غلو» و گستره آن، در عصر رجالیان با مفهوم امروزی تفاوت دارد. چه بسا عقیده‌ای هرچند جزء معارف حق بوده، اما در آن عهد به دلیل پایین بودن ظرفیت، هضمش دشوار بوده و در نتیجه غلو شمرده می‌شده و چه بسا شخصی، غالی معرفی شده، اما در واقع از اصحاب سرّ و دارای گنجایش بوده است (نک: غفاری و صناعی‌پور، ۱۳۸۸: ۲۸۳-۲۸۷). برخی از رجالیان، در نسبت دادن غلو به محمد بن فضیل خدشه کرده‌اند (نک: شیخ کبیر، ۱۴۳۲: ۶۰۷).

سوم. احادیثی از این دست مانند احادیث احکام عملی نیستند که در طول تاریخ به سندشان اهتمام ویژه‌ای شده باشد؛ و چون از دایره تعبّد خارج‌اند، غالباً سندشان وانهاده شده و هدف از نقل آنها بیشتر، رساندن محتوا و حلّ گره‌های مختلف آیات بوده است. بنابراین، واکاوی دلالت و عرضه آنها بر قرآن یکی از بهترین شیوه‌های کشف صحت و سقم آنها است. نظیر کاری که محمدحسین طباطبایی در احیای روایات تفسیری در *المیزان* انجام داده است.

### ۵. ۲. ۲. پاسخ به نقدهای محتوایی

#### پاسخ اشکال اول: مکی بودن سوره و مخاطبان مشرک

اول. بیان شد که برای خواص مشرکان نیز از همان روزهای آغازین رسالت نبی مکرم اسلام ﷺ، بحث ولایت و جانشینی امام علی (علیه السلام) مطرح شده است. لذا می‌توان مصداقیت حضرت علی (علیه السلام) را از باب مورد نزول هم دانست، به طوری که آیه در همان دوران نزول، شامل آن بشود.

دوم. بر فرض که مصداق بودن حضرت علی (علیه السلام) را در مکه نپذیریم، ولی باید

دانست که لفظ در مفهوم و معنای جامع به کار می‌رود نه در مصداق. لذا اگر مصداقی یافت شود که ظاهر الفاظ بر آن تطبیق‌پذیر باشد این مصداق آن را شامل می‌شود و می‌تواند مراد خداوند باشد، آن هم از باب ظاهر نه باطن؛ از سویی سیاق سوره نبا ظهور در مصداق قیامت دارد اما ظهور در عدم ندارد. یعنی سایر مصادیق را نفی نمی‌کند و حصری هم در بین نیست؛ وانگهی مصادیق دارای مرتبه‌اند. نتیجه آنکه، با توجه به مقدمه اول درمی‌یابیم تعبیر «نبا عظیم» در مفهومی جامع که پنج ملاک را داشته باشد به کار رفته و این مفهوم می‌تواند مصادیق مختلفی بپذیرد، آن هم از باب ظهور؛ و با توجه به مقدمه دوم می‌فهمیم مصداق قیامت منحصر نیست؛ و با توجه به مقدمه سوم به این نتیجه می‌رسیم که هر مصداقی در تطبیق با معنای جامع لفظ ظهور بیشتری داشته باشد اکمل است.

### پاسخ اشکال دوم: سیاق آیات مؤید مصداقیت معاد

سوره نبا مصداق «نبا عظیم» را صراحتاً معاد نمی‌داند و انحصاری در آیات نیست، بلکه بین آیات ابتدایی و آیه «إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا» (نبا: ۱۷) آیات دیگری فاصله شده است؛ یعنی چنین نیست که بلافاصله از معاد بحث شده باشد، پس سیاق مانع سایر مصادیق نیست.

### پاسخ اشکال سوم: تعدد مصداق اکمل

یکی از اشکالات جدی این بود که حضرت چگونه خود را اعظم می‌دانند در حالی که نبی مکرم اسلام ﷺ از ایشان برترند؟

یکم. اختلاف رتبه در میان ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز وجود دارد؛ چنان‌که میان انبیا و رسولان وجود دارد: «وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ» (اسراء: ۵۵)، «تَلَكِ الرَّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (بقره: ۲۵۳)، لیکن، آن موجودات نورانی، در حد نصاب لازم برای احراز مقام امامت، همانند یکدیگرند و تفاوت در مراحل بعد از آن نصاب لازم است. از این جهت، هر کدام از ائمه علیهم‌السلام که بعد از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برترین موجود نظام هستی شمرده می‌شوند آیت عظمای الهی و خبر عظیم او هستند؛ زیرا مجموع آنها یک نورند که در چهارده رواق می‌درخشند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۲۶/۹-۲۲۸).

**دوم.** اختلافی که درباره رسول خدا ﷺ شده است کمتر از اختلاف درباره ولایت حضرت علی (علیه السلام) و جانشینی ایشان است. نبوت پیامبر ﷺ با اقبال مسلمانان روبه‌رو شد، در حالی که «نبا عظیم» را تا به امروز اغلب آنها انکار کرده‌اند. این بیان به نقل از امام باقر (علیه السلام) مؤید روایی نیز دارد: «فَقَالَ هُوَ [يعني نبا العظيم] عَلِيٌّ (علیه السلام) لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَيْسَ فِيهِ خِلَافٌ» (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۳۴).

### پاسخ اشکال چهارم: خودستایی!

این‌گونه روایات برای خودستایی نیست. این از خود گفتن‌ها برای آن است که آنها امین خدای سبحان‌اند و امانت بزرگ الهی یعنی امامت، ولایت، تفسیر و تأویل کتاب و ... نزد آنها است. لذا هم باید خودشان را بشناساند و هم امانتی را که در دست دارند معرفی کنند تا انسان‌های حقیقت‌طلب بدانند که برای پیدا کردن حق به چه کسانی باید مراجعه کنند. به علاوه، بر ضلالت‌طلبان و باطل‌گرایان نیز باید اتمام حجت شود: «لِنَلِّأَ يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» (نساء: ۱۶۵) (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۸۱).

### نتیجه

۱. مصداق اکمل تعبیر «النَّبِيُّ الْعَظِيمُ» در هشت روایت با واژه «نبا أعظم»، حضرت علی (علیه السلام) معرفی شده است. دو سند از این روایات، یعنی روایت صفار و تفسیر قمی، تصحیح پذیرند.
۲. اختلاف درباره علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) از آغازین روزهای انذار در سطح خواص جامعه مشرک مکه وجود داشته و این تنها مصداق اکمل مشترک و محل اختلاف جامعه مکی و مدنی بین مسلمانان و مشرکان است. با عنایت به تقسیمات سه‌گانه‌ای که در ابتدای مقاله از روایات تعیین مصداق یاد شد، روایات «نبا عظیم»، ابتدا در دسته الف جای می‌گیرد و اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول هم، روایات وارد شده را شامل می‌شود. به علاوه، مصداق بودن علی (علیه السلام) از باب جری و تطبیق، در بدو امر قابل برداشت، و با گروه ب در ارتباط است، اما به دلیل داشتن تشدید ملاک‌های لازم، اکملیت آن نیز اثبات شد. ولی این روایات مصداق باطنی آیه نیست و در دسته ج قرار نمی‌گیرد.

۳. با توجه به اثبات اکملیت فوق، روایات ضعیف‌السند نیز اعتبار می‌یابد و به دنبال آن روایاتی که صرفاً حضرت را مصداق آیات سوره نبأ می‌داند نیز محتوایی مطابق با قرآن خواهد داشت.

## پی‌نوشت‌ها

۱. نرم‌افزار درایه‌ او را ثقه و امامی دانسته و مناقشات درباره تفسیر قمی هم در مقالات مذکور پاسخ داده شده است.
۲. اگر به مسائل اختلافی، ماجرای سقیفه نیز که پس از رحلت پیامبر ﷺ رخ داد اضافه شود، دامنه اختلاف وسیع‌تر می‌شود.

## منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). *روح المعانی*، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- ابن حنبل، أحمد بن محمد (۱۴۱۶). *مسند احمد*، تحقیق: أحمد محمد شاكر، القاهرة: دار الحديث، الطبعة الاولى.
- ابن طاووس، علی بن موسی (بی‌تا). *سعد السعود للنفوس منضود*، قم: دار الذخائر، الطبعة الاولى.
- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵). *تاریخ دمشق*، بیروت: دار الفکر.
- ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الاولى.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۸). *البدایة والنهاية*، بیروت: مکتبة المعارف.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹). *تفسیر القرآن العظيم*، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر، الطبعة الثالثة.
- ابن هشام، جمال الدین بن یوسف (۱۴۰۴). *مغنی اللیب عن کتب الاعراب*، قم: مکتبة آية الله المرعشی النجفی.
- ابن شاذان، أبو الفضل (۱۳۶۳). *الفضائل*، قم: رضی، چاپ دوم.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹). *مناقب آل أبی طالب*، قم: علامه، چاپ اول.
- ابو عزیز، سعد یوسف محمود (بی‌تا). *الإسرائيليات والموضوعات فی کتب التفاسیر*، القاهرة: مکتبة التوفیقیة.
- احمدی میانجی، علی (۱۳۸۶). «حدیث یوم الدار: پژوهش و بررسی»، در: *سفینه*، ش ۱۵، ص ۳۴-۶۵.

احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹). *مکاتیب الرسول (ص)*، قم: دار الحدیث، الطبعة الاولى.  
 استرآبادی، علی (۱۴۰۹). *تأویل الآيات*، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الاولى.  
 الامین، احسان (۱۴۲۱). *التفسیر بالمأثور و تطویره عند الشیعة الإمامیة*، بیروت: دار الھادی، الطبعة الاولى.  
 امینی، عبد الحسین (۱۴۱۶). *الغدیر*، قم: مرکز الغدیر، الطبعة الاولى.  
 انصاری، محمدباقر (بی تا). *غدیر در قرآن*، قم: دلیل ما، چاپ اول  
 بحرانی، سلیمان بن عبدالله (۱۴۱۲). *معراج أهل الكمال إلى معرفة الرجال*، بی جا: عبد الزهراء العویناتی،  
 الطبعة الاولى.

برقی، احمد بن محمد (۱۳۴۲). *رجال البرقی*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول.  
 بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳). *تفسیر مقاتل*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الاولى.  
 ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸). *روان جاوید*، تهران: برهان، چاپ سوم.  
 جعفری، یعقوب (۱۳۷۶). *تفسیر کوثر*، قم: هجرت، چاپ اول.  
 جمعی از نویسندگان (بی تا). *ولایت در قرآن*، قم: زمزم هدایت، چاپ اول.  
 جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). *سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن*: تفسیر موضوعی قرآن، قم: اسراء، چاپ پنجم، ج ۹.  
 جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *عصاره خلقت*، قم: اسراء، چاپ یازدهم.  
 جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *تسنیم*، قم: اسراء، چاپ پنجم، ج ۳.  
 حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۸). *الفصول المهمة فی أصول الأئمة*، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام  
 رضا علیه السلام، چاپ اول.

حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا). *روح البیان*، بیروت: دار الفکر، الطبعة الاولى.  
 حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲). *الرجال*، قم: الشریف الرضی، الطبعة الثانية.  
 حلّی، حسن بن یوسف (۱۹۸۲). *نهج الحق و كشف الصدق*، بیروت: دار الكتاب اللبنانی، الطبعة الاولى.  
 خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹). *الهدایة الكبرى*، بیروت: البلاغ، الطبعة الاولى.  
 درویش، محیی الدین (۱۴۱۵). *اعراب القرآن و بیانه*، سوریه: دار الارشاد، الطبعة الرابعة.  
 دشتی، مهدی (۱۳۸۸). «پایان سالهای ابری: بازخوانی مجدد يوم الدار»، در: *سقیه*، ش ۲۳، ص ۵۳-۹۶.  
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت- دمشق: دار القلم- الدار  
 الشامیة، الطبعة الاولى.

رستمی، علی اکبر (۱۳۸۰). *آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان علیهم السلام*، بی جا: کتاب مبین، چاپ اول.  
 رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۲). *درس نامه روش ها و گرایش های تفسیری قرآن*، قم: مرکز جهانی  
 علوم اسلامی، چاپ اول.  
 رفیعی، محسن؛ شریفی، معصومه (۱۳۸۲). «بازخوانی کتاب تفسیر مبهمات القرآن»، در: *آینه پژوهش*،  
 ش ۸۳، ص ۷۲-۷۹.

زمخشری، محمود (۱۴۰۷). *الکشاف*، بیروت: دار الكتاب العربی، الطبعة الثالثة.



- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴). *الدر المشهور*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، الطبعة الاولى.
- شادی، محمد ابراهیم (بی تا). *إعجاز القرآن و منهج البحث عن التميز*، القاهرة: مکتبه جزیره الورد، الطبعة الاولى.
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۷۶). *روش های تأویل قرآن*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۲). *مبانی و روش های تفسیری*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.
- شبییری زنجانی، سید محمد جواد (۱۳۷۶). «در حاشیه دو مقاله»، در: *آینه پژوهش*، ش ۴۸، ص ۴۸-۵۲.
- شبییری زنجانی، سید محمد جواد (۱۳۸۲). *دانش نامه جهان اسلام*، مدخل «علی بن ابراهیم قمی»، ج ۷، تهران: بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول.
- شبییری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹). *کتاب نکاح*، قم: رأی پرداز، چاپ اول.
- شکوهی، مسعود (۱۳۷۹). «آیات علوی (۵): علی علیه السلام نبأ عظیم خداوندی»، در: *گلستان قرآن*، ش ۴۷، ص ۳۲-۳۴.
- شیبانی، محمد بن حسن (۱۴۱۳). *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*، بی جا: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، چاپ اول.
- شیخ کبیر، محمد حسن (۱۴۳۲). *نتیجة المقال فی علم الرجال*، قم: دلیل ما، چاپ اول.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). *علل الشرائع*، قم: کتاب فروشی داوری، چاپ اول.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). *بصائر الدرجات*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، الطبعة الثانية.
- صفری فروشانی، نعمت الله؛ قاضی خانی، حسین (۱۳۹۲). «رسول خدا و مدیریت چالش جان‌شینی»، در: *مطالعات تاریخ اسلام*، ش ۱۹، ص ۱۲۱-۱۴۹.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
- طاهرزاده، علی اصغر (۱۳۸۹). *حقیقت نوری اهل بیت (علیهم السلام) اصفهان: لب المیزان*، چاپ اول.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۸). *قرآن در اسلام*، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان*، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۵). *المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب (علیه السلام)*، قم: کوشان پور، الطبعة الاولى.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). *تاریخ الأمم والملوک*، بیروت: دار التراث، الطبعة الثانية.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). *جامع البیان*، بیروت: دار المعرفة، الطبعة الاولى.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳). *رجال الطوسی*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). *تهذیب الأحکام*، تهران: دار الکتب الإسلامية، الطبعة الرابعة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). *الأمالی*، قم: دار الثقافة، الطبعة الاولى.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰). *الفهرست*، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، الطبعة الاولى.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان*، تهران: اسلام، چاپ دوم.
- عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۳۸۶). *الصحيح من سيرة النبي الاعظم (ص)*، قم: دار الحديث، چاپ دوم.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمية، الطبعة الاولى.
- غفاری، علی اکبر؛ صانعی پور، محمدحسن (۱۳۸۸). *دراسات فی علم الدراية، ترجمه: ولی الله حسومی*، قم: دانشکده اصولالدين، چاپ اول.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). *مفاتيح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹). *العین*، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵). *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر، الطبعة الثانية.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴). *تفسیر التمعی*، قم: دار الكتاب، الطبعة الثالثة.
- کحاله، عمر رضا (۱۴۰۸). *معجم المؤلفین*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). *اختیار معرفة الرجال*، مشهد: نشر دانشگاه، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹). *الکافی*، قم: دار الحديث، الطبعة الاولى.
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰). *تفسیر فرات الکوفی*، تهران: وزارة الإرشاد الإسلامي، الطبعة الاولى.
- مازندرانی، محمد صالح (۱۳۸۲). *شرح الکافی*، تهران: المکتبه الإسلامية، چاپ اول.
- مامقانی، عبدالله (بی تا). *تنقیح المقال فی علم الرجال (رحلی)*، بی جا: بی نا، الطبعة الاولى.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). *مرآة العقول*، تهران: دار الكتب الإسلامية، الطبعة الثانية.
- محلّی، جلال الدین؛ سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۶). *تفسیر الجلالین*، بیروت: مؤسسة النور.
- مرز، سعد حاتم (۱۴۲۶). «نظام العلاقة بين القرآن والسنة: تعقيب على مقال الجری والتطبيق القرآنيان»، *المنهاج*، ش ۴۰، ص ۱۵۳-۱۷۲.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). *در پرتو ولایت*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *آشنایی با قرآن (۵)*، تهران: صدرا، چاپ دوازدهم.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۹۰). *تفسیر الأثری الجامع*، ترجمه: جواد ایروانی، قم: تمهید، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ و دیگران (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران: دار الكتب الإسلامية، الطبعة الاولى.
- موسوی خویی، ابو القاسم (بی تا). *معجم رجال الحديث*، قم: مدينة العلم، الطبعة الثانية.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ششم.
- نرم افزار درایة النور، نسخه ۱/۲.
- نمازی، علی (۱۴۱۴). *مستدرکات علم رجال الحديث*، تهران: فرزند مؤلف، چاپ اول.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا). *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر.

## References

The Holy Quran

A Group of Authors. n.d. *Welayat dar Quran (Guardianship in Quran)*, Qom: Zamzam Hedayat, First Edition. [in Farsi]

Abu Aziz, Sa'd Yusuf Mahmud. n.d. *Al-Esrailiyat wa al-Mozuat fi Kotob al-Tafasir*, Cairo: Al-Tofighiyah Library. [in Arabic]

Ahmadi Miyaneji, Ali. 1998. *Makatib al-Rasul (Letters of the Prophet)*, Qom: Hadith Institute, First Edition. [in Arabic]

Ahmadi Miyaneji, Ali. 2008. "Hadith Yawm al-Dar: Pajuhesh wa Barresi (Hadith of the Day of the House: Research and Review)". In: *Safineh*, no. 15, pp. 34-65. [in Farsi]

Al-Amin, Ehsan. 2000. *Al-Tafsir be al-Mathur wa Tatwireh enda al-Shiah al-Emamiyah (Interpretation by Narrations and Development in Imami Shiite)*, Beirut: Al-Hadi Institute, First Edition. [in Arabic]

Alusi, Seyyed Mahmud. 1994. *Ruh al-Ma'ani (Spirit of Meanings)*, Beirut: Scientific Books Institute, First Edition. [in Arabic]

Ameli, Seyyed Jafar Morteza. 2008. *Al-Sahih men Sirah al-Nabi al-Azam (S) (Correct Biography of the Great Prophet (S))*, Qom: Hadith Institute, Second Edition. [in Arabic]

Amini, Abd al-Hoseyn. 1995. *Al-Ghadir*, Qom: Al-Ghadir Center, First Edition. [in Arabic]

Ansari, Mohammad Bagher. n.d. *Ghadir dar Quran (Ghadir in Quran)*, Qom: Dalil Ma, First Edition. [in Farsi]

Ayyashi, Mohammad ibn Masud. 2002. *Tafsir al-Ayyashi*, Tehran: Scientific Library, First Edition. [in Arabic]

Bahrani, Soleyman ibn Abdollah. 1991. *Meraj Ahl al-Kamal ela Marefah al-Rejal (Ascension of the People of Perfection to the Recognition of Men)*, np: Abd al-Zahra al-Awinati, First Edition. [in Arabic]

Balkhi, Moghatel ibn Soleyman. 2002. *Tafsir Moghatel*, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage, First Edition. [in Arabic]

- Barghi, Ahmad ibn Mohammad. 1964. *Rejal al-Barghi*, Tehran: University of Tehran: First Edition. [in Arabic]
- Darwish, Mohyi al-Din. 1994. *Erab al-Quran wa Bayanoh (Grammatical Analysis of Quranic Verses)*, Syria: Guidance Institute, Fourth Edition. [in Arabic]
- Dashti, Mahdi. 2010. "Payan Sal-hay Abri: Bazkhani Mojaddad Yawm al-Dar (End of Cloudy Years: Re-reading of al-Dar Day)". In: *Safineh*, no. 23, pp. 53-96. [in Farsi]
- Derayah al-Nur Software, Version 2/1.
- Estar Abadi, Ali. 1989. *Tawil al-Ayat (Interpretation of the Verses)*, Qom: Islamic Publishing Foundation, First Edition. [in Arabic]
- Fakhr Razi, Mohammad ibn Omar. 1999. *Mafatih al-Ghayb (Keys of the Unseen)*, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage, Third Edition. [in Arabic]
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad. 1989. *Al-Eyn*, Qom: Hejrat Publication, Second Edition.
- Feyz Kashani, Mohammad ibn Shah Morteza. 1994. *Tafsir al-Safi*, Tehran: Al-Sadr Library, Second Edition. [in Arabic]
- Ghaffari, Ali Akbar; Saneipur, Mohammad Hasan. 2010. *Derajat fi Elm al-Derayah (Studies in the Science of Hadith Terminology)*, Translated by Waliyollah Hasumi, Qom: Faculty of Islamic Principles, First Edition.
- Haghghi Borusawi, Esmail. n.d. *Ruh al-Bayan*, Beirut: Thought Institute, First Edition. [in Arabic]
- Helli, Hasan ibn Yusof. 1982. *Al-Rejal (Men)*, Qom: Al-Sharif al-Razi, Second Edition. [in Arabic]
- Helli, Hasan ibn Yusof. 1982. *Nahj al-Hagh wa Kashf al-Sedgh (Approach of Truth and Discovery of Truth)*, Beirut: Lebanese Book Institute, First Edition. [in Arabic]
- Horr Ameli, Mohammad ibn Hasan. 1997. *Al-Fosul al-Mohemmah fi Osul al-Aemah*, Qom: Imam Reza (AS) Institute of Islamic Studies, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Asaker, Ali ibn Hasan. 1994. *Tarikh Dameshgh (History of Damascus)*, Beirut: Thought Institute. [in Arabic]
- Ibn Fares, Ahmad. 1984. *Mojam Maghayis al-Lughah (Dictionary of Comparative Language)*, Qom: Islamic Figures Library, First Edition. [in Arabic]

- Ibn Hanbal, Ahmad ibn Mohammad. 1995. *Mosnad Ahmad*, Researched by Ahmad Mohammad Shaker, Cairo: Hadith Institute, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Hesham, Jamal al-Din ibn Yusof. 1984. *Moghni al-Labib an Kotob al-A'arib*, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library. [in Arabic]
- Ibn Kathir, Esma'il ibn Omar. 1988. *Al-Bedayah wa al-Nehayah (The Beginning and the End)*, Beirut: Teachings Institute. [in Arabic]
- Ibn Kathir, Esma'il ibn Omar. 1998. *Tafsir al-Quran al-Azim (Commentary of the Great Quran)*, Beirut: Scientific Books Institute, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Manzur, Mohammad ibn Mokarram. 1993. *Lesan al-Arab (Language of Arabs)*, Beirut: Thought Institute, Third Edition. [in Arabic]
- Ibn Shar Ashub, Mohammad ibn Ali. 2001. *Managheb Al Abi Taleb (Virtues of the Family of Abi Taleb)*, Qom: Allameh, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Shazan, Abolfazl. 1985. *Al-Fazael (Virtues)*, Qom: Razi, Second Edition. [in Arabic]
- Ibn Tawus, Ali ibn Musa. n.d. *Sa'd al-So'ud le al-Nofus Manzud*, Qom: Reserves Institute, First Edition. [in Arabic]
- Jafari, Yaghub. 1998. *Tafsir Kothar*, Qom: Hejrat, First Edition. [in Farsi]
- Jawadi Amoli, Abdollah. 2009. *Sireh Rasul Akram (S) dar Quran: Tafsir Mozu'i Quran: (The Biography of the Holy Prophet (S) in the Quran: Thematic Exegesis of the Quran)*, Qom: Esra, Fifth Edition, vol. 9. [in Farsi]
- Jawadi Amoli, Abdollah. 2010. *Osareh Khelghat*, Qom: Esra, Eleventh Edition. [in Farsi]
- Jawadi Amoli, Abdollah. 2011. *Tasnim*, Qom: Esra, Fifth Editon, vol. 3. [in Farsi]
- Kahalah, Omar Reza. 1988. *Mojam al-Moallefin (Dictionary of Authors)*, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage, First Edition. [in Arabic]
- Kashi, Mohammad ibn Omar. 1989. *Ekhtiyar Marefah al-Rejal*, Mashhad: University Publication, First Edition. [in Arabic]
- Khasibi, Hoseyn ibn Hamdan. 1998. *Al-Hedayah al-Kobra (Great Guidance)*, Beirut: Al-Balagh, First Edtion. [in Arabic]
- Koleyni, Mohammad ibn Yaghub. 2008. *Al-Kafi*, Qom: Hadith Institute, First Edition. [in Arabic]

- Kufi, Forat ibn Ebrahim. 1990. *Tafsir Forat al-Kufi*, Tehran: Ministry of Islamic Guidance, First Edition. [in Arabic]
- Mahalli, Jalal al-Din; Siyuti, Jalal al-Din. 1995. *Tafsir al-Jalalayn*, Beirut: Light Institute. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1984. *Merat al-Oghol (Mirror of Intellectuals)*, Tehran: Islamic Book Institute, Second Edition. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Naser et al. 1996. *Tafsir Nemuneh (Sample Interpretation)*, Tehran: Islamic Book Institute, First Edition. [in Farsi]
- Mamaghani, Abdollah. n.d. *Tanghih al-Maghal fi Elm al-Rejal (Rahli)*, n.p: n.pub, First Edition. [in Arabic]
- Marefat, Mohammad. 2012. *Tafsir al-Athari al-Jame' (Comprehensive Narrative Exegesis)*, Translated by Jawad Irawani, Qom: Tamhid, First Edition. [in Arabic]
- Marzah, Sad Hatam. 2005. "Nezam al-Alaghah Bayn al-Quran wa al-Sunnah: Taghib ala Maghal al-Jary wx al-Tatbigh al-Quraniyan (The System of Relationship between the Quran and the Prophet's Practice: Following Quraniyan's Statement on Matching Examples)", *Al-Menhaj*, no: 40, pp. 153-172. [in Farsi]
- Mazandarani, Mohammad. 2004. *Sharh al-Kafi*, Tehran: Islamic Library, First Edition. [in Arabic]
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi. 2005. *Dar Parto Welayat (In the Light of Guardianship)*, Qom: Imam Khomeini Institute, Second Edition. [in Farsi]
- Mostafawi, Hasan. 1990. *Al-Tahghigh fi Kalamat al-Quran al-Karim (Research in the Terms of the Holy Quran)*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, First Edition. [in Arabic]
- Motaharri, Morteza. 2011. *Ashnayi ba Quran (5) (Introduction to the Quran (5))*, Tehran: Sadra, Twelve Edition. [in Farsi]
- Musawi Khoyi, Abu al-Ghasem. n.d. *Mojam Rejal al-Hadith (Dictionary of the Transmitters of Narrations)*, Qom: City of Knowleghe, Second Edition. [in Arabic]
- Najjashi, Ahmad ibn Ali. 1987. *Rejal aal-Najjashi*, Qom: Qom Seminary Teachers Association, Sixth Edition. [in Arabic]
- Namazi, Ali. 1993. *Mostadrakat Elm Rejal al-Hadith*, Tehran: Son of Author, First Edition. [in Arabic]

- Qomi, Ali ibn Ebrahim. 1984. *Tafsir al-Qomi*, Book Institute, Third Edition. [in Arabic]
- Rafi'I Mohsen; Sharifi Masumeh. 2004. "Bazkhani Kitab Tafsir Mobhamat al-Quran (A Rereading of the Book of Interpretation of the Ambiguities of the Quran)". In: *Research Mirror*, no. 83, pp. 72-79. [in Farsi]
- Ragheb Esfahani, Hoseyn ibn Mohammad. 1991. *Mofradat Alfaz al-Quran (Glossary of Quranic Words)*, Beirut-Damascus: Al-Ghalam Institute- al-Shami Institute, First Edition. [in Arabic]
- Rezayi Esfahani, Mohammad Ali. 2004. *Darsnameh Rawesh-ha wa Gerayesh-hay Tafsiri Quran (Textbook of Quranic Interpretive Methods and Trends)*, Qom: World Center of Islamic Sciences, First Edition. [in Farsi]
- Rostami, Ali Akbar. 2002. *Asibshenasi wa Raweshshenasi Tafsir Masuman (AS) (Pathology and Methodology of the Interpretation of the Infallibles (AS))*, n.p: Ketab Mobin, First Edition. [in Farsi]
- Sadeghi Tehrani, Mohammad. 1987. *Al-Forghan fi Tafsir al-Quran be al-Quran (Criterion in the Interpretation of the Quran by the Quran)*, Qom: Islamic Culture, Second Edition. [in Arabic]
- Sadugh, Mohammad ibn Ali. 1984. *Al-Khesal (Traits)*, Qom: Teachers Association, First Edition. [in Arabic]
- Sadugh, Mohammad ibn Ali. 2007. *Elal al-Sharae' (Causes of Sharia)*, Qom: Dawari Bookstore, First Edition. [in Farsi]
- Safar Forushani, Nematollah; Ghazikhani, Hoseyn. 2014. "Rasul Khoda wa Modiriyat Chalesh Janeshini (Messenger of God and Managing the Succession Challenge)". In: *Studies in the History of Islam*, vol. 19, pp. 121-149. [in Farsi]
- Saffar, Mohammad ibn Hasan. 1984. *Basaer al-Darajat (Insights Degrees)*, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library, Second Edition. [in Arabic]
- Shadi, Mohammad Ebrahim. n.d. *Ejaz al-Quran wa Manhaj al-Bahth an al-Tamayyoz (Miraculousness of the Quran and the Method of Discussion about Differentiation)*, Cairo: Jazirah al-Werd Library, First Edition. [in Arabic]
- Shaker, Mohammad Kazem. 1998. *Rawesh-hay Tawil Quran (Methods of Interpreting the Quran)*, Qom: Islamic Propaganda Office, First Edition. [in Farsi]

- Shaker, Mohammad Kazem. 2004. *Mabani wa Rawesh-hay Tafisiri (Fundamentals and Methods of Interpretation)*, Qom: World Center of Islamic Sciences, First Edition. [in Farsi]
- Sheikh Kabir, Mohammad Hasan. 2011. *Natijah al-Maghal fi Elm al-Rejal*, Qom: Dalai Ma, First Edition. [in Arabic]
- Sheybani, Mohammad ibn Hasan. 1992. *Nahj al-Bayan an Kashf Ma'ani al-Quran (Approach to the Clarification of the Meanings of the Quran)*, n.p: Islamic Encyclopedia Foundation, First Edition. [in Arabic]
- Shobeyri Zanjani, Seyyed Mohammad Jawad. 1998. In: "Dar Hashiyeh Do Maghaleh (In the Margins of Two Articles)". In: *Mirror Research*, no. 48, pp. 48-52. [in Farsi]
- Shobeyri Zanjani, Seyyed Mohammad Jawad. 2004. *Daneshnameh Jahan Eslam (Encyclopedia of the Islamic World)*, The Entry of "Ali ibn Ebrahim Qomi", vol. 7, Tehran: Great Islamic Encyclopedia Foundation, First Edition. [in Farsi]
- Shobeyri Zanjani, Seyyed Musa. 1998. *Ketab Nekah (The Book of Marriage)*, Qom: Raypardaz, First Edition. [in Farsi]
- Shokuhi, Masud. 2001. "Ayat Alawi (5): Ali (AS) Naba Aizim Khodawandi (Verses Related to Ali (AS) (5): Ali (AS) Divine Great News)". In: *Garden of the Quran*, no. 47, pp. 32-34. [in Farsi]
- Siyuti, Abd al-Rahman ibn Abi Bakr. 1984. *Al-Dorr al-Mansur*, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library, First Edition. [in Arabic]
- Tabari Amoli, Mohammad ibn Jarir ibn Rostam. 1994. *Al-Mostarshed fi Emamah Ali ibn Abi Taleb (AS) (Guide to the Guardianship of Ali ibn Abi Taleb (AS))*, Qom: Koshanpur, First Edition. [in Arabic]
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. 1967. *Tarikh al-Omam wa al-Moluk (History of Nations and Kings)*, Beirut: Heritage Institute, Second Edition. [in Arabic]
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. 1991. *Jame' al-Bayan (Collection of Statements)*, Beirut: Knowledge Institute, First Edition. [in Arabic]
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. 1994. *Majma' al-Bayan (Collection of Statements)*, Tehran: Naser Khosro, Third Edition. [in Arabic]
- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hoseyn. 1996. *Al-Mizan (Yardstick)*, Qom: Qom Seminary Teachers Association, Fifth Edition. [in Arabic]



- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hoseyn. 2010. *Quran dar Islam (Quran in Islam)*, Qom: Book Garden, Third Edition. [in Farsi]
- Tahezadeh, Ali Asghar. 2011. *Haghighat Nuri Ahl Bayt (AS) (The Light Truth of the Infallibles (AS))*, Isfahan: Core of Balance, First Edition. [in Farsi]
- Taleghani, Seyyed Mahmud. 1984. *Partoy az Quran (A Ray from the Quran)*, Tehran: Publishing Joint Stock Company, Fourth Edition. [in Farsi]
- Tayyeb, Seyyed Abd al-Hoseyn. 2000. *Atyab al-Bayan (The Most Pleasant Expression)*, Tehran: Islam, Second Edition. [in Farsi]
- Thaghafi Tehrani, Mohammad. 2020. *Rawan Jawid (Immortal Soul)*, Tehran: Borhan, Third Edition. [in Farsi]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1987. *Tahzib al-Ahkam (Refinement of Rulings)*, Tehran: Islamic Books Institute, Fourth Edition. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1993. *Al-Amali*, Qom: Institute of Culture, First Edition. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1995. *Rejal al-Tusi*, Qom: Qom Seminary Teachers Association, Third Edition. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1999. *Al-Fehrest (The List)*, Qom: Mohaghhegh Tabatabayi Library, First Edition. [in Arabic]
- Yaghubi, Ahmad ibn Abi Yaghub. n.d. *Tarikh al-Yaghubi*, Beirut: Sader Institute. [in Arabic]
- Zamakhshari, Mahmud. *Al-Kashshaf*, Beirut: Arat Arabic]